

تأثیر مشاوره گروهی با رویکرد بین فردی بر افسردگی و بهبود روابط زناشویی مادران خیانتدیده

سید حامد سجادیان^۱، وحیده صالح میرحسنی^۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تاثیر مشاوره گروهی با رویکرد بین فردی بر افسردگی و بهبود روابط زناشویی مادران خیانتدیده بود. روش پژوهش حاضر به لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع نیمه آزمایشی (پیش آزمون و پس آزمون) با گروه کنترل بود. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه‌ی مادران دانش‌آموزان که مورد خیانت همسر واقع شده و دارای سطح تحصیلات سیکل و بالاتر بودند و همگی طی سال ۱۴۰۰ به مرکز مشاوره خانواده منطقه ۱۰ تهران مراجعه کرده و خواستار دریافت خدمات مشاوره‌ای بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۳۰ نفر (۱۵ نفر در گروه آزمایش، ۱۵ نفر در گروه کنترل) به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. روش جمع‌آوری داده‌ها بر اساس سه پرسشنامه نشانگان اختلال‌های روانی دراگوتیس و همکاران (۱۹۸۴)، پرسشنامه سنجش خیانت همسر و آگهان (۲۰۰۸) و پرسشنامه محقق ساخته بهبود روابط زناشویی با الگوبرداری از پرسشنامه گاتمن انجام گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی (آزمون تحلیل کوواریانس) انجام پذیرفت. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد میزان تاثیر مشاوره گروهی با رویکرد بین فردی بر افسردگی مادران خیانت دیده برابر ۰.۱۷۰ و میزان تاثیر مشاوره گروهی با رویکرد بین فردی بر بهبود روابط زناشویی مادران خیانت دیده برابر ۰.۲۰۲ بود. مشاوره گروهی سبب می‌شود زنان درباره خطاکاری و پیمان‌شکنی همسر مسئولیت بیشتری بپذیرند و با بخشی از وجود روبرو شوند، که به شکل‌گیری رابطه نامشروع منجر شده است، و به نحوی خود را تغییر دهند که صمیمیت را از نو بین خود و همسرشان برقرار کنند. همچنین نتایج برآمده از این تحقیق می‌تواند راهنمای یاری‌دهنده مشاوران و متخصصان حوزه خانواده و دست‌اندرکاران سلامت جامعه باشد تا به یاری قشر آسیب‌پذیر جامعه بشتابند.

واژگان کلیدی: مشاوره گروهی با رویکرد بین فردی، افسردگی، روابط زناشویی

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۲ استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of sexual behavior, 40*(5), 971-982.
- McDermut, W., Miller, I. W., & Brown, R. A. (2001). The efficacy of group psychotherapy for depression: A meta-analysis and review of the empirical research. *Clinical Psychology: Science and Practice, 8*(1), 98-116.
- McLaughlin, L. (2018). *Soka Gakkai's Human Revolution*. University of Hawaii Press.
- Miller, M. D. (2008). Using interpersonal therapy (IPT) with older adults today and tomorrow: a review of the literature and new developments. *Current psychiatry reports, 10*(1), 16-22.
- O'Kearney, R., Gibson, M., Christensen, H., & Griffiths, K. M. (2006). Effects of a cognitive-behavioural internet program on depression, vulnerability to depression and stigma in adolescent males: a school-based controlled trial. *Cognitive behaviour therapy, 35*(1), 43-54.
- Rees, C. S., & Maclaine, E. (2016). Concentric circles therapy training: clinical psychology trainee's reflections on participation in a revised interpersonal therapy training group. *Australian Psychologist, 51*(3), 231-237.
- Scheeren, P., Apellániz, I. D. A. M. D., & Wagner, A. (2018). Marital infidelity: The experience of men and women. *Trends in Psychology, 26*, 355-369.
- Seligman, M. E. (2012). *Flourish: A visionary new understanding of happiness and well-being*. Simon and Schuster.
- Vaughan, P. (1998). *The monogamy myth: A personal handbook for recovering from affairs* (p. 211). Newmarket Press.
- Weizmann-henelius, G. (2000). Violence in a Finnish forensic psychiatric hospital. *Nordic Journal of Psychiatry, 54*(4), 269-273.
- Wiebe, S. A., Johnson, S. M., Burgess Moser, M., Dalgleish, T. L., & Tasca, G. A. (2017). Predicting follow-up outcomes in emotionally focused couple therapy: The role of change in trust, relationship-specific attachment, and emotional engagement. *Journal of marital and family therapy, 43*(2), 213-226.